

نوروز

بقلم آقای ذبیح‌الله صفا

—۳—

از کیفیت مراسم نوروز در زمان اشکانیان اطلاعی در دست نیست ، ولی بنا به مان قرائن که در باب رسوم مهرگان در زمان اشکانیان ذکر شده است ۱ و نیز از آن جهت که اشکانیان با اجرای مراسم مهرگان میپرداخته اند : میتوان گفت که نوروز با آئین های خود در دربار این قوم راه داشته و شاهان اشکانی را بدان توجهی بوده است ولی البته این توجه و اعتنا قوت زمان ساسانیان را نداشت .

بدیهی است که در این دوره نوروز را در میان عامه مردم نام و نشان و رونق و اعتباری بوده است .

نوروز در عهد ساسانیان

در این عهد نوروز را در میان ملت ایران و نیز در دربار مراسم مخصوص و تشریفات فراوان در کار بوده است و بتحقیق میتوان گفت که در هیچ زمان مراسم نوروز را با اینهمه تکلفات بجا نمیآوردند و خوشبختانه از اغلب این مراسم ما را اطلاعات کافی در دست میباشد .

پس از آنکه در بامداد نوروز پادشاه زینت خود را می پوشید و لباسی را که معمولاً از بردیانی ووشی بود بر تن میکرد بتهائی در دربار حاضر میشد و شخصی که قدم او را بفال نیک میگرفتند بر شاه داخل میکردند . برخی نگاشته اند که اولین کس از بیگانگان که در بامداد نوروز بخدمت شاه میرسید مؤبدان مؤبد بود که با جامی زرین و یر از می و انکشتری و درمی و دیناری خسروانی و دسته ای سبزه و شمشیری و تیر و کمان و دوات و قلم و اسبی و بازی و کودکی نیکروی پیش شاه میآمد و او را بدین عبارت میستود :

« شما بجشن فروردین بماه فروردین آزادی گزین برداد و دین کیان ، سروش آورد ترا دانائی و بینائی بر کار دانی ؛ و دیرزی با خوی هزیر ، و شاد باش بر تخت زرین ، و انوشه خور بجام جمشید ، و رسم نیاکان در همت بلند و نیکوکاری و ورزش داد و راستی نگاه دار ، سرت سبز باد و جوانی چو خوید ، اسبت کامکار و پیروز ، و نیفت روشن و کاری بدشمن ، و بازت گیرا و خجسته بشکار ، و کارت راست چون تیر ، و هم کشور بگیر نو ، بر تخت با درم و دینار بیشت هنری و دانا گرامی و درم خوار ، و سرایت آباد و زندگانی بسیار . » ۲ سپس جام شراب را پیادشاه میداد و دسته خوید را در دست دیگر او میگذاشت و دینار و درم در پیش تخت وی مینهاد . مقصود ایشان از آوردن این چیز ها که گفته شد این بود که شاه و بزرگانرا دیده بر- آنها افتد تا در همه سال شادمان و خرم باشند و آنسال برایشان مبارک گردد . ۴

۱ - شماره دهم مجله مهر سال اول

۲ - طرز داخل شدن این مرد را بر پادشاه و مکالماتی که بین او و شاهنشاه روی

می داد و نیز چیزهائی را که در بامداد نوروز بخدمت شاه می آوردند در شماره ۱۰ مهر سال اول ص ۷۹۵ شرح داده ایم .

۳ و ۴ - نوروزنامه عمر خیام ص ۱۸-۱۹

پس ازین مقدمات بزرگان دولت بخدمت میآمدند و هدایا تقدیم مینمودند. هدایای نوروز از طرف سلاطین جزء و شهرداران و اسپهبدان و امرای مملکت و زنان پادشاه و عامه مردم بیادشاه تقدیم میشد و سلاطین نیز پس از آنکه بوسیله مأمورین مخصوص آن اموال را تقویم میکردند آنها را که قدر و قیمتی داشت بخزانه میفرستادند و مابقی را متفرق میساختند. شاه نیز بمهبدیان بنسبت درجات آنان چیزی هدیه میکرد. کیفیت تقدیم هدایا و تقویم آن و هدایائی که از جانب زنان شاه بیادشاه تقدیم میشد و نیز پادشاهائی را که هدیه دهندگان بنسبت مراتب خود از شاهنشاه می یافتند مفصلاً در شماره دهم و یازدهم سال اول مجله مهر دیده ایم و باعاده ذکر آن احتیاجی نداریم.

مالیاتهای مملکتی در ایام سلاطین ساسانی در نوروز افتتاح میشد ۱ و این رسم در زمان خلفای اسلامی نیز همچنان معمول شد و یکی از جهات اصلاح تقویم و کبیسه کردن سالهای یارسی بتوسط المتوکل علی الله والمعمد بالله در اثر همین امر بود ۲.

در هر یک از ایام نوروز پادشاه بازی سپید پرواز میداد. و از چیزهایی که پادشاهان در نوروز بخوردن آن تبرک میجستند اندکی از شیر تازه و خالص و پنیر تازه بود، و در هر نوروزی برای پادشاه با کوزه ای آهنین یا سیمین آبی بر داشته میشد. در گردن این کوزه قلاده ای قرار میدادند از یاقوتهای سبز که از زنجیری زرین گذشته و بر آن مهره های زبرجدین کشیده باشد. این آب را ناگزیر دختران بکر از زیر آسیابها بر میداشتند ۳. - جاحظ دردنباله این کلام مینویسد که چون نوروز شبیه میافتاد شاه از میگرد که از رئیس یهودیان چهار هزار درهم بستاند و کسی سبب این کار را نمیدانست جز اینکه این رسم بین ماوک جاری شده و مانند جزیه گردیده بود. ولی از ذکر روز شنبه در اینجا نباید تصور کرد که ترتیب هفتگی در آن ایام مراعات میشد بلکه روز شنبه باعتبار تقویم یهودیان در اینجا مذکور افتاده است.

بیست و پنج روز قبل از نوروز در صحن دارالمالک دوازده ستون از خشت خام بر پا میشد که بر ستونی گندم و بر ستونی جو و بر ستونی برنج و بر ستونی عیس و بر ستونی باقلی و بر ستونی کاجیله و بر ستونی ارزن و بر ستونی ذرت و بر ستونی لوبیا و بر ستونی نخود و بر ستونی کجند و بر ستونی ماش میکاشتند و اینها را نمیچیدند مگر بقنا و ترنم و لهو. در ششمین روز نوروز این حبوب را می کنند و در مجلس می پراکنند و تا روز مهر از ماه فروردین (۱۶ فروردین) آنرا جمع نمیکردند. این حبوب را برای تفاعل میکاشتند و گمان میکردند که هر یک از آنها که نیکوتر و بارور تر شد محصولش در آنسال فراوان خواهد بود و شاه بنظر کردن جو مخصوصاً تبرک می جست ۴.

معمولاً در این ایام شاه بیار عام می نشست و ترتیب پذیرفتن طبقات را چند گونه ضبط کرده اند. از آنجمله ابوریحان میگوید که آئین شاهان ساسانی در پنج روز اول فروردین (نوروز عامه) چنین بود که شاه بروز اول نوروز ابتداء می کرد و عامه را از جاوس خود برای ایشان و احسان بدانان می آگاهانید. در روز دوم برای کسانی که از عامه رفیع تر بودند یعنی دهکانات و

۱- التاج فی اخلاق الملوك چاپ مصر ص ۱۴۶

۲- در این باب رجوع شود به ص ۳۱ آثار الباقیه

۳ و ۴- المحاسن والاضداد ص ۲۳۴ چاپ مصر

اهل آتشکدها جلوس میکرد در روز سوم از برای سواران و موبدان بزرگ و در روز چهارم از برای اهل بیت و نزدیکیان و خاصگیان خود در روز پنجم برای پسر و نزدیکان خویش، و بهر يك از اینان آنچه که مستحق رتبت و اکرام و یا مستوجب مبرت و انعام بودند میرسید و تمام داده میشد، و چون روز ششم فرا میرسید از قضاء حقوق مردم فارغ میشد و ازین پس نوروز از آن خود او بود و دیگر کسی جز ندما و اهل انس او و مناسبین و مصالحین خلوت وی بنزد او نمیتوانست آمدند.

چنانکه در شماره دهم مجله مهر سال اول ص ۷۹۴ گفته ایم در ایام نوروز معمولاً نواهایی مخصوص در خدمت پادشاه نواخته میشد که فقط اختصاص بهمین ایام داشت و ما را در اینجا باعاده ذکر آن نیازی نیست.

از رسوم دیگر درباری این عهد این بود که پادشاهان در نوروز محتاج الیه سالیانه دفتری و چیزهای دیگر دربار را تهیه میکردند از قبیل کاغذ و پوستهائی که در آنها رسائل سائره به آفاق نگاشته میشد و آنچه که مهر کردندش از طرف پادشاه لازم بود آخر آن کاغذ مهر میشد و آنها را « اسپیدانوشت » یا « اسپیدنوشت » مینامیدند.

چنانکه مسعودی میگوید خسرو پرویز در بعضی اعیاد درحالی که سپاهیان با اعداد و سلاح خود رده بسته و هزار پیل با پیلانان صف کشیده بودند برای دیدن سان آنها خارج شده بود و بعید نیست که مراد ازین عید نوروز باشد و حتی بحسب میتوان گفت که در نوروز شاهان ساسانی سان سپاه میدیدند چه چنانکه بعد خواهیم دید در قرون اسلامی نیز در نزد برخی از سلاطین جزء ایران این رسم در نوروز معمول بوده است.

اما از رسوم عمومی نوروز در این عهد یکی بر افروختن آتش بود در شب نوروز؛ و این رسم بعدها چنانکه خواهیم دید در زمان عباسیان نیز در بین النهرین رواج داشت و شاید آتشی که در عصر حاضر در شبهای چهارشنبه سوری (چهارشنبه آخر سال) میافروزند نتیجه همین رسم قدیمی باشد و اینکه بعضی آنها را از آثار جشن سده می شمارند چندان صحیح بنظر نمی آید اما دلیل افروختن آتش در شب نوروز واضح است که بعات احترام عنصر آتش در نزد ایرانیان قدیم بود. برخی گفته اند که جهت بر افروختن آتش در این شب تصفیة جو و از میان بردن عفونات مولده افساد هواست. اولین کس که این رسم را بنیاد نهاد شاید هرمز دلیر پسر شاپور پسر اردشیر یا پکان باشد.

از رسوم دیگر این زمان ریختن آب بوده است بیکدیگر در صبح نوروز و این رسم نیز در قرون اسلامی از رونق نیفتاد. در باب علت این رسم افسانههای عجیبی نقل شده است که بعضی از آنها بیشتر با ساطیر مذهبی شبیهند. مثلاً ابوریحان افسانه ای نقل میکند که اصلاً از اوستانشأت کرده است و چنین است که در زمان جمشید عدد جانوران چندان زیاد شد که بهنای زمین بر آن ها تنگ گردید. خداوند زمین را سه برابر آنچه بود فراختر کرد و مردم را امر نمود که به آب غسل کنند تا از گناهان پاک شوند. پس همه سال این کار را می کنند تا اینکه خداوند آفات آنسال را

۱ - آثار الباقیه ص ۲۱۹ چاپ لایبزیك

۲ - « » ص ۲۱۸

۳ - مروج الذهب چاپ یاریس ج ۲ ص ۲۳۱

۴ - بلوغ الارب ج ۱ ص ۳۸۶ چاپ بغداد.

۵ - آثار الباقیه ص ۲۱۸

۶ - برای اطلاع از اصل اوستائی این افسانه رجوع شود به ونیدادفر کردوم.

از ایشان دفع کند. و علاوه بر این داستانهای دیگری نیز ذکر میکنند و نیز جا حظ دو حکایت نقل مینماید که یکی از آنها از ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین علیهما السلام روایت شده است و این هر دو حکایت کاملا بنظر افسانه می آیند. یاقوت حموی نیز در همین باب حکایتی آورده است که قبلادر باب جهات افسانه‌های پیدایش نوروز ذکر کرده ایم. برخی نیز دلیلی را که معمولا برای ریختن آب در جشن آبریزگان ذکر میشود در این باب آورده انده و بدیهی است که این دلیل نیز بسیار غلط و بی اصل بوده و بدون تحقیق اظهار شده است. شاید بتوان اظهار کرد که این امر بمنزله تظهير بدنست از کثافات مکتسبه ازدود و آنچه که از کثافات بدان ملتزق گردیده است و برای اینکه از هوا فساد مولده از امراض را رفع کند.

در صبح روز ششم (روز خرداد) از ماه فروردین مردم خود را با آب می شستند و شاید این رسم بافتخار خرداد فرشته آب ۷ که موکل بر این روز است معمول شده باشد.

از رسوم متداول این زمان هدیه دادن شکر است. این رسم را اگرچه ابوریحان بسیار قدیم می داند و از قول آذرباد موبد بغداد افسانه ای نیز در این باب نقل می کند ۹ ولی شاید از زمان ساسانیان تجاوز ننماید. این رسم در مهرگان نیز معمول بوده است.

با شکوه ترین و زیبا ترین آیین این زمان که هنوز هم بر جای مانده است و آن زمان در نزد عامه مردم و نیز در دربار شاهان مرسوم بود کاشتن سبزی است. معمولا در صحن هر خانه بر هفت ستون هفت قسم از غلات میکاشتند و هر یک از اقسام غلات را که بهتر میروئید دلیل قوت آن نوع از غلات در سال جدید می گرفتند ۱۰

پیداست که برخی از این مراسم فقط از زمان ساسانیان شروع نشده است و بسیار قدیم تر میباشد.

۱ - رجوع شود بآثار الباقیه ص ۲۱۸

۲ - المحاسن والاضداد ص ۲۳۶

۳ - ج ۱ معجم البلدان ص ۶۶۹-۶۷۰

۴ - جشن آبریزگان جشنی بود که در روز سی ام (انیران روز) از ماه بهمن بر پا میشد و در این روز مردم بریکدیگر آب می یاشیدند. پیدایش این جشن از زمان فیروز و بشکرانه بارانی است که پس از چند سال قحط و خشکسالی باریده است. رجوع شود به صفحات ۲۲۸ و ۲۲۹ آثار الباقیه.

۵ - بلوغ الارب ص ۳۸۶ ج ۱ - ابوریحان هم نظیر این قضیه را ذکر میکند ولی آنرا بزمان جمشید شاه داستانی منسوب میدارد.

۶ - آثار الباقیه ص ۲۱۸

۷ - خرداد در اوستا هئورواتا Haourvatat و در پهلوی خردات آمده و ابوریحان آنرا هرودا ضبط کرده است. این فرشته در عالم مادی مأمور نگهبانی آبت و این معنی ازین دو بیت زراتشت بهرام نیز بخوبی برمی آید:

جوزرتشت از آنجای برکاشت روی
بزرشت گفتا که ای یالک جان

۸ - آثار الباقیه ص ۲۱۸

۹ - » ص ۲۱۶

۱۰ - ص ۲۱۷

همانگاه خرداد شد پیش اوی
سپردم بتو آبهای روان